



زنده باد اول ماه مه،

در اهتزاز باد پرچم

مبارزه مستقل کارگری!

اول ماه مه روز جهانی کارگر فرا رسیده است. در اول ماه مه، ارتش جهانی کارگران در سراسر جهان، بار دیگر قدرت متحد خود را در برابر اردوی سرمایه به نمایش می گذارد. میلیون ها کارگر در چهار گوشه جهان، چرخ های تولید را متوقف می سازند، پرچم های سرخ را به اهتزاز در می آورند و با گردهمایی و انجام تظاهرات و راهپیمایی، اتحاد و همبستگی بین المللی خود را جشن می گیرند. در اول ماه مه، طبقه کارگر در مقیاس بین المللی، یک بار دیگر به سرمایه داران در سراسر جهان اعلام می دارد که تا برانداختن نظام سرمایه داری و نابودی هرگونه ستم و استثمار از پای نخواهد نشست.

طبقه کارگر ایران نیز که گردانی از ارتش بین المللی کارگران است، هدفی جدا از کارگران جهان یعنی مبارزه برای نابودی نظام سرمایه داری و استقرار سوسیالیسم ندارد. در ایران تحت حاکمیت سیاه جمهوری اسلامی استثمار بی حد و حصر و مصائب نظام سرمایه داری، با استبداد و خفقان و بی حقوقی نام و تمام کارگران عجین شده است. گرچه تحت تاثیر اعتراضات و مبارزات کارگران، رژیم جمهوری اسلامی به اجبار روز اول ماه مه

در صفحه ۲

افاضات آقای رئیس جمهور

درخشان برخوردار است که "همه جا نگاه به تولید و رشد همکاری میان کارفرما و کارگران" داشته و تلاش کرده است که "امر تولید و مدیریت در کار تولید بدون لطمه تقویت شود."

خاتمی پس از این معرفی نامه در مورد وزرای معرفی شده خود، فرصت را غنیمت شمرد تا کمی هم در مورد خدمات دولت و دست آوردهای اقتصادی و سیاسی آن برای مردم، سخن بگوید. از نکات مهم این بخش از سخنان رئیس کابینه حکومت اسلامی اشاره ای بود به این که "به لطف خداوند، با تمام مشکلات و موانع می توان گفت که در عرصه ی خدمت، خیلی ناموفق نبوده ایم و در عرصه های مختلف سیاسی، اقتصادی و ... هر چند عیب و نقص هایی بوده ولی در مجموع توفیق داشته ایم."

در صفحه ۴

روز یکشنبه ششم اردیبهشت ماه، خاتمی، وزرای جدید اقتصاد و دارایی و وزارت کار خود را به مجلس ارتجاع اسلامی معرفی نمود تا گویا در این یک سالی که از دوران ریاست جمهوری وی باقی مانده است، کابینه با هماهنگی بیشتری بتواند به "ملت شریف ایران" خدمت کند، وزیر کار، همچون سلف خود "دفاع از حقوق کارگران را به عنوان یک اصل مهم مورد توجه" قرار دهد به ویژه که ایشان "عضو فعال در جهاد سازندگی بوده و جانباز ۶۵ درصدی است" و مهم تر این که "دغدغه اش در مسائل کارگری به خصوص در بحران ها" از همان "اولین کمیسیون کار و امور اجتماعی در مجلس اول" بر همگان روشن است. وزیر کار سابق هم که اکنون به جای مظاهری پست وزارت اقتصاد و دارایی را بر عهده می گیرد، از این سابقه

مسئله فلسطین،

تروریسم دولتی اسرائیل و بنیادگرایی اسلامی

که توده های مردم و تشکلات فلسطینی مبارزات خود را تشدید کرده و میلیون ها تن از آذیخواهان جهان به حمایت گسترده و گاه فعال از جنبش رهایی بخش فلسطین برخاسته و با محکوم کردن جنایات رژیم صهیونیستی اسرائیل از مردم ستم دیده و زجر کشیده فلسطین برای بازگشتن به خانه و رهایی سرزمین اشغالی اشان پشتیبانی کرده اند. نشیب هایش در مقاطعی بوده که این جنبش با انواع و اقسام توطئه ها، دسیسه ها و سازشکاری ها از درون و برون مواجه بوده به طوری که مبارزه با حکومت اشغالگر و تروریستی اسرائیل را مخدوش نموده و از جلوی صحنه به عقب رانده است.

در صفحه ۸

بیش از پنج دهه از مبارزات مردم فلسطین برای رهایی سرزمین خود از زیر یوغ حکومتی تروریست و بناشده بر ایدئولوژی نژادپرستانه صهیونیستی می گذرد. این مبارزات فراز و نشیب های فراوانی داشته اند. فرازهای آن همواره زمانی بوده

در این شماره

اقدام جنایتکارانه رژیم جمهوری اسلامی و

عمال آن را محکوم می کنیم!

فریاد اعتراض یک میلیون تظاهرکننده زن در واشنگتن:

"ما به عقب بر نمی گردیم"

اخراج پناهندگان افغانی، اقدامی ضد انسانی ست

خلاصه ای از اطلاعاتی ها و بیانیه های سازمان

اخباری از ایران

۵

۳

۷

۷

۲

سفرنامه عراق ۶

زنده باد اول ماه مه، در اهتزاز باد پرچم مبارزه مستقل کارگری!

اخباری از ایران

تجمع اعتراضی کارگران فرودگاه

۱۷۰ تن از کارگران فرودگاه بین المللی خمینی، در اعتراض به عدم پرداخت دومه ماه حقوق و اخراج خویش به بهانه نبود بودجه و اتمام پروژه، در محل این فرودگاه دست به تجمع زدند. از مجموع ۲۷۰ کارگری که در فرودگاه بین المللی خمینی مشغول به کار بودند، ۱۷۰ نفر از آنها از اول سال جدید اخراج شده و حقوق اسفند و فروردین آنها نیز پرداخت نشده است.

تجمع اعتراضی کارگران الکتریک رشت

کارگران الکتریک رشت باردیگر دست به اعتراض زدند و روز شنبه پنجم اردیبهشت با برپایی یک تجمع اعتراضی در برابر دفتر نمایندگی خامنه ای، در حالی که پلاکاردهایی را نیز با خود حمل می کردند و شعار می دادند، خواستار پرداخت حقوق های معوقه و ضمانت شغلی خود شدند.

تجمع اعتراضی کارگران کاشی گیلان

کارگران شرکت کاشی گیلان، در اعتراض به عدم پرداخت حقوق و مزایای خود، در برابر استانداری گیلان دست به تجمع زدند. این کارگران که به دنبال اجرای طرح تغییر ساختار کارخانه، از کار بیکار و برای دریافت بیمه بیکاری معرفی شدند، هم اکنون بیش از ۸ ماه است که هیچگونه حقوقی نگرفته اند. کارگران خواستار پرداخت حقوق های معوقه و پایان بلاتکلیفی خود هستند.

نامه اعتراضی کارگران معدن بافق

جمع زیادی از کارگران شاغل در شرکت سنگ آهن (معدن چغارت بافق) در یک نامه اعتراضی در اواخر فروردین ماه، ضمن توضیح شمه ای از مشکلات اقتصادی و معیشتی خود، نسبت به تضییع حقوق ۱۴۰۰ کارگر پیمانکار این مجموعه معدنی اعتراض نموده و خواستار پرداخت عیدی و ۴ ماه حقوق عقب افتاده خود شدند. قابل ذکر است کارفرما و عناصر وابسته به آن، کارگران معدن را به طرق مختلفی

خانه کارگر اجازه داد از ساعت ۹ تا ۱۱ صبح روز جمعه یازده اردیبهشت، در مسیر میدان مخابرات دوله تامیدان بهارستان راهپیمایی کند. استانداری تهران تصریح کرد که نیروهای انتظامی حفظ نظم! و امنیت را برعهده خواهند داشت. خانه کارگر نیز نه فقط به حفظ همان نظم و امنیت متعهد شد، و متعهد شد تا جزئیات برگزاری این مراسم از قبیل متن شعارها و سخنرانی ها و نیز سخن رانان را مشخص و معرفی نماید، بلکه درعین حال متعهد شد تا با "ارگان های مسئول"؟! - بخوان سرکوبگر - همکاری و "هماهنگی" کامل داشته باشد.

گرچه رژیم جمهوری اسلامی از بی اعتباری خانه کارگر در میان کارگران و نفرت آنها از این نهاد با خبر است و دیگر اعتمادی به این موضوع ندارد که خانه کارگر مثل گذشته بتواند راهپیمایی ها و تجمعات کارگری را کاملا کنترل و آن طور که رژیم می خواهد هدایت کند، کما این که به تجربه هم دیده است که در جریان عمل، در بسیاری راهپیمایی ها، خود کارگران ابتکار عمل را به دست گرفته و چارچوب های از پیش تعیین شده و مورد نظر خانه کارگر را نیز زیر پا گذاشته اند و خواست های خودشان را عنوان کرده اند، اما برای تبلیغ خارجی و نشان دادن این که در جمهوری اسلامی هم، کارگران اجازه دارند در روز اول ماه مه راهپیمایی کنند، جواز یک مراسم فرمایشی و راهپیمایی کنترل شده دوساعته را در تهران صادر کرد.

اگر رژیم در سایه امکانات وسیع خود برای بسیج همه جانبه و تمرکز نیروهای امنیتی و سرکوب و کنترل در مرکز، با صدور مجوز راهپیمایی ولو دوساعته آنها برای خانه کارگر موافقت کرد، اما درمقیاس سراسری چنین امکانی را نداشت و از ترس آن که کنترل امور از دستش خارج شود، به درخواست راهپیمایی در اکثر شهرها یا اساسا پاسخی نداد و یا علنا با آن مخالفت نمود. به هر رو برنامه رژیم و وزارت کار آن برای "هفته کارگر" که عبارت بود از این که یک روز کارگران به زیارت مرقد خمینی بروند، یک روز با خامنه ای در بیت اش دیدار کنند و روز دیگر با خاتمی و فلان مدیر کل و اما م جمعه، یک راهپیمایی دوساعته ی کنترل شده ی خانه کارگر هم اضافه شد.

اگر رژیم جمهوری اسلامی و خانه کارگرش در پی اهداف ضد کارگری

را به عنوان روز کارگر، تعطیل رسمی اعلام کرده است و این موضوع در ماده ۶۳ قانون کار رژیم نیز انعکاس یافته است، اما به رغم این مسئله، بسیاری از سرمایه داران و کارفرمایان حتا در روز کارگر هم، کارگران را اجبارا به کار وامی دارند و افزون بر این، طبقه ی حاکمه، کارگران ایران را از برگزاری آزادانه مراسم اول ماه مه محروم ساخته است. معهدا به رغم استیلاي حکومت سرکوب و خفقان جمهوری اسلامی در ایران و نبود آزادیهای سیاسی و به رغم آن که کارگران از حق تشکل و اعتصاب و اجتماع محروم اند و اجازه ندارند روز کارگر را جشن بگیرند، با این همه کارگران ایران هرساله به استقبال روز اول ماه مه رفته اند و به اشکال مختلفی همبستگی خود را با کارگران سراسر جهان در مبارزه علیه نظام سرمایه داری به نمایش گذاشته اند.

در غیاب آزادی های سیاسی و تشکل های مستقل و فراگیر کارگری و ممنوعیت برگزاری آزادانه و مستقلانه روز اول ماه مه توسط کارگران، جمهوری اسلامی به روال معمول خانه کارگر و (شوراهای اسلامی) را برای برگزاری مراسم فرمایشی روز کارگر به جلو صحنه فرستاده است، تا این نهاد نیز ضمن حمایت از رژیم به توجیه سیاست های ضد کارگری آن و همدستی خود با نظام حاکم بپردازد. از حدود یک ماه قبل، خانه کارگر در تهران، از وزارت کشور درخواست صدور مجوز راهپیمایی در روز کارگر نمود. در اکثر شهرهای بزرگ و مراکز استان ها نیز خانه کارگر چنین درخواستی را مطرح نمود. در آغاز گرچه زمزمه مخالفت با صدور جواز راهپیمایی به بهانه "احتمال بروز اغتشاش" و "به خطر افتادن امنیت ملی" و امثال آن، برای رونق گیری و گرم شدن بازار کار خانه کارگری ها شنیده می شد، اما وقتی که مجریان خانه کارگر پی در پی تضمین و اطمینان دادند و تعهد سپردند که تجمع و راهپیمایی آنان نه تنها "علیه نظام" و برای تضعیف "امنیت ملی" نیست، که از قضا نظرشان "تقویت امنیت ملی" و "بیمه کردن نظام" است و محبوب دبیر کل خانه کارگر نیز تصریح نمود که خانه کارگر برای جلوگیری از بروز "تشنج"، "تدابیر" لازم را اندیشیده است، استانداری تهران نیز در پاسخ وزارت کشور و کمیسیون ماده ۱۰ احزاب، با درخواست خانه کارگر برای راهپیمایی موافقت کرد و به این موش و گربه بازی پایان داد. استانداری تهران به

اخباری از ایران

تهدید و از اعتراض برحذر داشته اند. از جمله به کارگران گفته شده است، اعتراض شما منجر به اخراج و عدم تمدید قرارداد خواهد شد. سرمایه داران از طریق شرکت های بیمانکاری و قراردادهای موقت، استثمار کارگران و فشار کاربردش آنها را تشدید نموده اند. آنان با استفاده وسیع از قراردادهای موقت، بیش از پیش حق و حقوق کارگران را پایمال می کنند و از پرداخت حقوق و مزایای یک کارگر رسمی خودداری می کنند و در عین حال در برابر اعتراض کارگران چماق اخراج را بلند می کنند. کارگران خواستار برچیده شدن شرکت های بیمانکاری و استخدام رسمی اند.

تعطیلی کارخانه و بلاتکلیفی کارگران

به گزارش ایلنا، کارخانه قفل سازی تکنوپراق تعطیل و ۸۰ کارگر این کارخانه با بیش از ۱۰ سال سابقه کار، از کار بیکار و بلاتکلیف شدند. مدیریت این کارخانه که متعلق به بخش خصوصی بود، ۸ ماه حقوق کارگران را نپرداخته بود و سرانجام به بهانه بدهی و ناتوانی مالی کارخانه را تعطیل کرد.

شمه ای از عواقب "نوسازی" صنایع نساجی

خبرگزاری ایلنا به نقل از دبیر اجرایی خانه کارگر شهر ری گزارش داد که با اجرای طرح بازسازی و نوسازی صنایع نساجی بسیاری از کارگران شاغل در واحدهای نساجی شهرری از کار بیکار شده اند. از جمله این که نیروی کار کارخانه چیت ممتاز از ۲۷۰۰ کارگر به ۳۰۰ کارگر، چیت ری از ۳۰۰۰ کارگر به ۱۰۰۰ و چیت تهران که بیش از ۳۰۰۰ کارگر داشته در حال حاضر حدود ۷۰۰ کارگر دارد.

اعتصاب معلمان اسلامشهر

در ادامه اعتراضات و اعتصابات فرهنگیان، معلمان اسلامشهر نیز روز شنبه ۵ اردیبهشت در اعتراض به بالا بودن ساعات کار و برای افزایش حقوق ها، دست به اعتصاب زدند.

تجمع اعتراضی معلمان

جمعی از مربیان پیش دبستانی مدارس استان مازندران با تجمع در برابر استانداری مازندران، خواستار استخدام رسمی و رسیدگی به مشکلات خود شدند. اعتراض کنندگان که چند سال است با عنوان مربی پیش دبستانی مشغول به کار شده اند با حقوق های بسیار ناچیزی کار می کنند، هنوز از حق و حقوق

فریاد اعتراض یک میلیون تظاهرکننده زن در واشنگتن: "ما به عقب بر نمی گردیم"

در آستانه انتخابات ریاست جمهوری در آمریکا و با توجه به حملات آشکار گروه های مذهبی و محافظه کاران جمهوریخواه به دستاوردهای مبارزاتی زن، روز ۵ آوریل قریب به یک میلیون نفر در پایتخت این کشور دست به تظاهرات زدند.

در این تظاهرات یک میلیون تظاهرکننده که اغلب آنان زن بودند از سراسر آمریکا و بیش از ۶۰ کشور دیگر جهان راهی واشنگتن شده بودند تا اعتراض خود را نسبت به سیاست های دولت بوش در تحدید حقوق زنان، نشان دهند. حق سقط جنین، برخورداری از تسهیلات بهداشتی و آموزش جنسی از مهم ترین خواست های برگزارکنندگان این حرکت بودند. آنها یک صدا فریاد می زدند: "ما به عقب بر نمی گردیم"

دولت بوش که یکی از مذهبی ترین دولت های حاکم در تاریخ آمریکاست، با حمایت مادی و معنوی کلیساهای، حمله به دستاوردهای زنان را در دستور کار خود گذارده است. چندی پیش اولین گام عملی در این راستا را با یک تبصره قانونی به انجام رساند. به موجب این قانون، یا احتساب جنین به عنوان یک شخصیت حقوقی، سقط جنین در ردیف قتل محسوب می گردد. سیاست گام به گام بوش، در صورت انتخاب مجدد وی به ریاست جمهوری به ممنوعیت سقط جنین در آمریکا منجر خواهد شد. دولت با قطع سوبسید پروژه های بهداشتی و پزشکی مربوط به سقط جنین، فشار بیشتری بر زنان وارد می آورد. ضمناً تاثیر این قانون به زنان کشورهای درحال توسعه نیز جان آنها را به مخاطره می اندازد. کلیه پروژه های پزشکی-درمانی مربوط به سقط جنین در این کشور از دریافت سوبسید محروم می گردند. از همین رو از سال گذشته یک سازمان زنان آمریکایی با فراخوان این تظاهرات، به بسیج و جلب حمایت پرداخت. طی یک سال گذشته بیش از ۱۰۰۰ سازمان زنان، گروه های صلح، حقوق بشر، محیط زیست و ... از این ابتکار حمایت کرده و در تظاهرات ۲۵ آوریل شرکت کردند.

این تظاهرات طی ۲۰ سال گذشته بی سابقه بود. ۱۲ سال پیش در اعتراض به محدودیت قانون سقط جنین، نیم میلیون تن شرکت کرده بودند.

زنده باد اول ماه مه . . .

خویش، متفقا به اجرای یک مراسم فرمایشی و تهی ساختن اول ماه مه از مضمون آن، روی می آورند، در عوض اما کارگران آگاه و پیشرو نیز از مدت ها قبل مستقلاً در تدارک برگزاری هرچه با شکوه تر روز کارگر می باشند و مصمم اند به رغم تمام محدودیت ها و ممنوعیت ها، اول ماه مه را در ابعاد گسترده تری جشن بگیرند و اتحاد و همبستگی خود را با کارگران در سراسر جهان اعلام دارند. از هم اکنون نیز در بسیاری از شهرها کارگران اعلام کرده اند به مناسبت اول ماه مه و به نشان اعلام همبستگی با کارگران در سراسر جهان و نیز برای طرح خواست ها و مطالبات خود، دست به تظاهرات و راهپیمایی خواهند زد. گروه های دیگری از کارگران، در اشکال دیگری نظیر برپایی اجتماعات، گردهم آیی های علنی، نیمه علنی یا مخفی، به استقبال اول ماه مه می روند و ضمن برپایی جشن و سرور و پایکوبی، همراه با سخن رانی و شعر خوانی و اجرای سرودهای انقلابی، بر اتحاد و همبستگی بین المللی کارگری و میثاق های خویش برای نابودی نظام سرمایه داری تاکید خواهند نمود. کوشش های رژیم به منظور خلاصه کردن کارگران به خانه کارگر و مراسم اول ماه مه به مراسم فرمایشی خانه کارگر در تهران، بی هیچ شک و تردیدی با شکست روبرو خواهد شد. گرچه حتا در جریان اجرای همین مراسم هم، چنین احتمالی دور از ذهن نیست که کارگران تلاش های خانه کارگر و سران آن را خنثا و مراسم را به ضد خویش تبدیل کنند، اما کارگران در اول ماه مه، اساساً مستقل از خانه کارگر، پرشکوه تر از سال گذشته، و با پرچمی که آذین بخش آن خواست های مستقل کارگری است به میدان می آیند.

کارگران ایران که برای تحقق عموم مطالبات خود ناگزیر از یک مبارزه دایمی با سرمایه داران و دولت پاسدار منافع آنها می باشند، و برای به دست آوردن آزادی های سیاسی از جمله حق تشکل، حق تجمع و تحزب، حق اعتصاب و سایر آزادی های سیاسی علیه رژیم جمهوری اسلامی و نظم موجود به اعتراض و مبارزه برخاسته اند، در اول ماه مه نیز، مستقل از شوراهای اسلامی و خانه کارگر و سایر کارگزاران رژیم، ضمن طرح مطالبات خود، به این مبارزه ادامه می دهند و روز اول ماه مه را به نشان اتحاد و همبستگی با کارگران سراسر جهان جشن می گیرند. زنده باد اول ماه مه، زنده باد پرچم مبارزه مستقل کارگری!

افاضات آقای رئیس جمهور

این عیب و نقص‌ها هم تقصیراتش برعهده "آمار" و "جامعه" است. مثلاً اگر متوسط ایجاد ۷۶۰ هزار شغل در سال تحقق نیافت و به نصف هم نرسید، "نیمی از آن به دلیل ارائه آمار غلط یا مدیریت جامعه ماست." علت اش هم این است که "با تلاش همه دستگاه‌های آماری، کارگاه‌ها شناخته شد و مثل همه آماری که گاهی غلط از آب در می‌آید، این گونه شد." نه فقط نمی‌بایستی این تعداد شغل ایجاد شود، بلکه بسیار کمتر بود و نتیجه این که به رغم تحقق نیافتن وعده ایجاد شغل حتا به نیمی از ارقام اعلام شده، رقم بیکاری باز هم کاهش یافته است. ایشان ادامه داد: "براساس محاسبه‌ای که در باره اشتغال صورت گرفت، ۷۳۵ هزار نیرو باید سالانه مشغول به کار می‌شد و ما پیش بینی کردیم ۷۶۰ هزار شغل در سال ایجاد کنیم... ما نتوانستیم به طور متوسط ۷۶۰ هزار شغل ایجاد کنیم ولی آمار نشان می‌دهد رقم بیکاری رو به کاهش است و علت آن این است که ۷۳۰ هزار نفر در برنامه سوم پیش بینی شده بود که ۶۰۰ هزار بودند. بنابراین هرچند به سقف برنامه نرسیدیم ولی در این زمینه کارهای بزرگی انجام شده است."

پس، از این قرار معلوم، این آمار غلط مقصر است والا دولت بیش از ظرفیت هم شغل ایجاد کرده است و از همین رو تعداد بیکاران در حال کاهش است. یعنی نه تنها صدها هزار کارگری که در این چندسال بیکار شده‌اند و میلیون‌ها جوانی که به بازار کار سرازیر شده‌اند، اشتغالشان تامین شده است، بلکه رقم ۴ الی ۵ میلیون بیکار هم که از قبل وجود داشت، آنهم کاهش یافته است. به این اعتبار افزایش تعداد بیکاران به ۶ میلیونی هم که رسماً از سوی نمایندگان مجلس اعلام شد، آنهم دروغ بوده است. نتیجه اخلاقی این که همه باید بپذیرند که "کارهای بزرگی انجام شده است."

خوب، حالا تکلیف آن یک میلیون شغلی که قرار بود وزیر کار قبلی و وزیر اقتصاد و دارایی جدید، از طریق اعطای وام به کارگاه‌های کوچک ایجاد کند و جز یک لیست آماری برای نشان دادن کاهش تعداد بیکاران چیزی از آن باقی‌نماند چه می‌شود؟ هیچ. ایشان در این میان نه تنها مقصر نیست بلکه باید گفت "چرا باید آقای حسینی جواب این مسئله را بدهد. پیشنهاد متعلق به ایشان بود و ما تحمیل کردیم که خودش آن را انجام دهد." این است پاسخ

خاتمی. حالا اگر در این زمینه هم مشکلاتی وجود داشته "مشکلات درحال برطرف شدن است." "درسال جاری برای ۱۰۰ هزار شغل با دقت و حساب کامل برنامه ریزی شده و این کار ابتکار دکتر حسینی بود و اگر نقصی هست در مجموعه‌ی جامعه ماست."

پس اگر اوضاع اقتصادی و مالی دولت خوب است، بیکاری هم کاهش یافته است و "کارهای بزرگی" در همه عرصه‌ها انجام گرفته است، پس چرا دولت حقوق‌های معوقه کارگران و کارمندان را نمی‌پردازد؟ چرا مطالبات معلمین این همه به تعویق افتاده است؟ چرا وعده افزایش حقوق‌ها عملی نمی‌گردد و دولت ادعا می‌کند خزانه تهی است؟ در اینجا هم، باز مردم مقصرند. چون دولت به خاطر رفاه حال مردم فشارها را خودش تحمل کرده است. از جمله این که "برنامه سوم به دولت اجازه می‌داد که در سال ۱۳۸۳، ارز حدود دو هزار تومان باشد. دولت با سختگیری برخورد... توانست مهار قیمت ارز را در دستور کار قرار دهد" که دوسال یا سه سال گذشته ارزها، بین ۸۰۰ تا ۹۰۰ تومان در نوسان بود و این به معنای کم کردن درآمد دولت به نصف است. بخشی از مشکلات که ما از نظر نقدینگی و پرداخت‌ها داریم ناشی از همین است."

پس در این مورد هم، صدها میلیارد ریال کسری بودجه پنهان لایحه سال گذشته و هزینه‌های هنگفت دستگاه نظامی و سرکوب نقشی نداشت. لطف دولت به ملت بود، که اجازه نداد نرخ ارز دو هزار تومان باشد، و این مسئله درآمد دولت را به نصف کاهش داد و باعث بروز مشکلاتی "از نظر نقدینگی و پرداخت‌ها" گردید!

در عرصه سیاسی نیز دست‌آورد‌های خاتمی برای مردم ایران چنان درخشان بوده است که خودش خجالت کشید در مورد آن سخنی بگوید.

آقای رئیس‌جمهور بعد از هفت سال وعده و وعید به مردم ایران در مورد آزادی، دموکراسی، حقوق مدنی، رفاه اجتماعی، این اراجیف را تحویل مردم می‌دند. به این می‌گویند پاسخگویی در یک کشور بی‌حساب

مسئله فلسطین، ...

کشتار غیرنظامیان اسرائیلی ادامه داد، عملیاتی که ۷۰٪ فلسطینیان با آن‌ها مخالف بودند.

وقتی توده‌های گسترده مردم فلسطین نخستین «انتفاضه» (خود را برای مبارزه با حکومت نژادپرست اسرائیل در اکتبر ۱۹۸۷ آغاز کردند، اسلامگرایان هیچ‌گونه شرکتی در آن نداشتند. هنگامی که روز ۱۴ دسامبر همان سال حماس اعلام موجودیت نمود نه فقط صحبتی از انتفاضه در اسنادش نبود که سعی شده بود تا هدف مبارزات مردم فلسطین تحریف گردد. مثلاً در ماده هفت برنامه حماس چنین آمده است: خدا هدف ماست، پیغمبر الگوی ماست، قرآن قانون اساسی ماست.

تشکلات بنیادگرای اسلامی مانند جهاد اسلامی و حماس نه فقط موجب شدند تا توطئه حکومت نژادپرست اسرائیل برای ایجاد تفرقه در جنبش‌های بخش فلسطین تا حدود زیادی موفق شود، بلکه با مخدوش کردن مبارزه ضداشغالگری و ضدصهیونیستی و گاهی تبدیل آن به مبارزه‌ای با یک هدف نژادپرستانه دیگر یعنی یهودی‌ستیزی یا آنتی‌سمیتیسم، بسیاری از پشتیبانان جنبش را در سطح جهان با تردیدهای جدی مواجه کرده‌اند.

نیروهای کمونیست، چپ و آزادیخواهی که از مبارزات مردم فلسطین و حتا مبارزات مسلحانه علیه حکومت صهیونیست اسرائیل و ارتش اشغالگر آن حمایت می‌کنند، نمی‌توانند در عین حال از عملیات انتحاری سازمان‌هایی مانند گردان‌های عزالدین قسام - شاخه نظامی حماس - دفاع نمایند که هدفی جز کشتار مردم بی‌دفاع و غیرنظامی در کوچه و خیابان و دیگر نقاط ندارند. باید از مبارزات رهایی‌بخش و ضدصهیونیستی مردم فلسطین کماکان با تمام قوا حمایت کرد و نگذاشت که بنیادگرایان اسلامی اقداماتی چون حملات انتحاری و یهودی‌ستیزی را مبارزه مردم فلسطین برای رهایی از زیر یوغ اشغالگری و صهیونیسم جا بزنند.

تصحیح و پوزش

در شماره ۴۲۶ نشریه کار مقاله خاور میانه، معضل پیچیده جهان سرمایه داری دو خط آخر مقاله: "... تاثیرات منفی اوضاع سیاسی جوامع پیرامون خود برکنار باشند" به علت مشکل فنی حذف شده بود، که بدین وسیله تصحیح می‌شود.

کمک مالی

هلند

صفایی فراهانی ۵۰ یورو

هامبورگ

مازیار ۲۴۰ یورو

اخباری از ایران

پایدار معلمین محروم اند. به دنبال این اقدام اعتراضی، رئیس آموزش و پرورش استان مازندران قول داد به خواست این دسته از معلمین رسیدگی شود.

اعتصاب عمومی معلمان

علی رغم اعتصابات و اعتراضات مکرر معلمان در سال گذشته، دولت کماکان از پذیرش و تحقق خواست ها و مطالبات این قشر زحمتکش و کم درآمد جامعه امتناع می کند. از این رو معلمان تصمیم به ادامه اعتراض و اعتصاب گرفته اند. در بیانیه ای به امضاء تشکل های صنفی معلمان که در تاریخ ۱/۲۸/۸۳ انتشار یافته است، معلمان اعلام کرده اند، که در روز ۱۳ اردیبهشت از ساعت ۸ تا ۱۲ صبح در مناطق ۱۹ گانه تهران، در مراکز استان ها، و در شهرستانها، در سازمان ها و ادارت آموزش و پرورش دست به تجمع خواهند زد.

اجتماع اعتراضی مردم در اصفهان

بیش از ۶۰۰ نفر از اعضاء صندوق قرض الحسنه جی اصفهان، در اعتراض به عدم دریافت وجوه سپرده خود، روز دوم اردیبهشت، در برابر ساختمان این موسسه دست به تجمع زدند. اعتراض کنندگان که قصد راهپیمایی به سمت استانداری را داشتند، سرانجام پس از حدود سه ساعت در اثر تهدیدات و اخطارهای مکرر نیروهای سرکوب و انتظامی، متفرق شدند.

نامه اعتراضی کارگران شهرداری

کارگران شهرداری منطقه یک تهران که توسط مدیریت از کار بیکار و بلا تکلیف شده اند، با امضاء یک نامه، نسبت به اخراج خویش اعتراض نموده و خواهان تعیین تکلیف شدند. این کارگران که از ۱۰ تا ۱۵ سال سابقه کار دارند، در نامه خود هشدار داده اند که از حق خود نخواهند گذشت.

اعتراضات دانشجویی

دانشجویان دانشگاه پیام نور مشهد، در اعتراض به افزایش ۱۵ درصدی شهریه تحصیلی سال ۸۴ - ۸۳ و عدم اختصاص اعتبار جهت امور فرهنگی و ورزشی و همچنین در اعتراض به پاره ای دیگر از نارسایی های صنفی و آموزشی، دست به تجمع و تحصن زدند. این تجمع که روزهای ۲۶ و ۲۷ فروردین و در محوطه دانشگاه مذکور برگزار گردید، با شعارهایی نیز همراه بود.

این تحصن و تجمع اعتراضی که روز اول با ۳۰۰ دانشجو در مشهد و ۲۰۰ دانشجو در فریمان آغاز شده بود، در روز دوم به ترتیب به ۷۰۰ و ۵۰۰ نفر دانشجو افزایش یافت. در عین

اقدام جنایتکارانه رژیم جمهوری اسلامی و عمال آن را محکوم می کنیم!

دفتر سیاسی حزب دمکرات کردستان ایران، در بیانیه ای مورخ ۲۶ فروردین ۸۳، اعلام نمود که شش تن از مبارزین این حزب به نام های ارشد رضایی، محمد عزیز قادری، یونس محمدپور، عدنان اسماعیلی، مظفر کاظمی و معروف سهرابی، توسط رژیم جمهوری اسلامی به جوخه اعدام سپرده شده اند. در بیانیه دفتر سیاسی حزب دمکرات به این مسئله اشاره شده است که این افراد در اواخر مهرماه سال ۷۵، هنگامی که از یک مأموریت حزبی به قرارگاههای خود باز می گشتند، در حوالی حلبچه کردستان عراق توسط افراد مسلح "جنبش اسلامی کردستان عراق" به اسارت گرفته و مفقودالایثر شدند. چند روز پس از این رویداد، این افراد تحویل رژیم جمهوری اسلامی داده شدند. در حالی که طی چند سال گذشته خویشاوندان دستگیرشدگان و حزب دمکرات کردستان ایران برای نجات جان این افراد تلاش می نمودند و در حالی که جریان ارتجاعی "جنبش اسلامی کردستان عراق" نیز هرگونه ارتباط خود را با این رویداد انکار می نمود، سرانجام جمهوری اسلامی به این جنایت اعتراف نموده است.

در بیانیه دفتر سیاسی حزب دمکرات آمده است، این شش نفر پس از تحویل به رژیم بلافاصله یا پس از چند هفته اعمال شکنجه های جسمی و روحی از سوی جلادان اعدام گردیده اند.

رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی که از همان آغاز روی کار آمدنش دشمنی و ضدیت خود را با مردم زحمتکش ایران از جمله مردم رنج کشیده و تحت ستم کردستان نشان داد، ۲۵ سال است که به کشتار و سرکوب این زحمتکشان مشغول است. این رژیم فوق ارتجاعی، برای از میان برداشتن انقلابیون، مبارزین و مخالفین خود و خاموش ساختن صدای اعتراض علیه ستم و نابرابری، به هر جنایتی از آدم ربایی آشکار و علنی گرفته تا ترورهای مخفی و کشتارهای جمعی مخالفین خود دست می زند. اما تجربه ۲۵ سال حاکمیت ارتجاع اسلامی، نشان داده است که با کشتار و جنایت نمی توان، انقلابیون، مخالفین و مبارزات مردم زحمتکش ایران منجمله مردم زحمتکش و ستمکشیده کردستان را نابود و خاموش ساخت.

سازمان فدائیان (اقلیت) این اقدام جنایتکارانه رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی و عمال آن را محکوم می کند.

چندخبر کوتاه

— به گفته یک مقام اجرایی خانه کارگر استان یزد، ۵۴ درصد کارگران این استان به صورت قراردادی هستند.

— به جای صفر حسینی وزیر کار و امور اجتماعی، ناصر خالقی برای گرفتن این پست انتخاب شد. نام برده که در حال حاضر نماینده اصفهان در مجلس ارتجاع است، از سیاست سه جانبه گرایی وزیر پیشین تعریف و برداشته آن تاکید نمود.

— به علت تعطیلی دو واحد کارخانه روغن کشی بهشهر، ۸۰۰ کارگر از مجموع ۱۴۰۰ کارگر این کارخانه که به صورت روز مزد کار می کردند، از کار بیکار شدند.

— کارخانه ریسندگی صوفی آباد کرج از اول سال جاری تعطیل و کارگران آن از کار بیکار شدند.

— شرکت بهپاک بهشهر (نساجی) از اول سال ۸۳ تعطیل و ۷۰۰ تن از کارگران قراردادی از کار بیکار شدند.

حال دانشجویان مرکز نیشابور نیز روز دوم دست به تحصن زدند و به اعتراض کنندگان مشهد و فریمان پیوستند. اعتراض کنندگان با انتخاب یک شورای متحصنین به رئیس دانشگاه یک ماه فرصت دادند تا خواست های آنان را برآورده سازد. دانشجویان همچنین اعلام کردند چنانچه کمیته انضباطی با دانشجویان معترض برخورد کند، اعتراض خود را به خیابان ها خواهند کشاند.

— دانشجویان دوره کارشناسی ارشد دانشگاه ارومیه، در اعتراض به تصمیم مقامات دانشگاهی مبنی بر تعیین ضرب الاجل برای تخلیه خوابگاه و نقل مکان به محلی دور افتاده، دست به تحصن و تجمع زدند. به گزارش ایسنا ۲۹ فروردین، از اول سال جدید تلفن خوابگاه قطع شده و دانشجویان را تهدید کرده اند که آب و برق خوابگاه را نیز قطع خواهند کرد.

— دانشجویان خوابگاه قدس دانشگاه ارومیه با تجمع در جلوی خوابگاه که در میدان خیام واقع شده است، دست به اعتراض زدند. دانشجویان خوابگاه های مرضیه و عودی نیز با تجمع در خیابان، از دریافت غذای شام خودداری کرده و خواستار بهبود کیفیت غذا شدند. این دانشجویان با تجمع در پیاده رو با سردادن شعارهایی خواستار رسیدگی به خواست های خود شدند. دانشجویان خوابگاه های عصمتیه و مقدم نیز به اعتراضات مشابهی دست زدند.

سفرنامه عراق

چوب در خانه ای به کار برده شده، گویا آنهم برای جبران کمبود گل و پلاستیک بوده باشد. لباس ها در حوالی مرز ایران یک فرم است. رنگ لباس ها تیره تر. قیافه ها گرفته تر. دختران در لباس های محلی مردان با شلوارهای گشاد تیره رنگ.

در حلبچه که در ۱۶ مارس ۱۹۸۸، بمباران شیمیایی به کشته شدن ۵۰۰۰ نفر و صدمه و آسیب دیدن دهها هزار تن شد. از کنارگورهای دستجمعی رد می شویم. به بنای یادبود حلبچه می رسیم. حلبچه و جنایتی که در آن جا رخ داد یک اتفاق نبود. بلکه با مشارکت و همکاری چندین کشور و صاحبان سرمایه عراق و بین المللی بود که توانست صورت گیرد. با این که ما در هلند از همان سال وقوع جنایت حلبچه خواهان محاکمه عاملین آن بوده و هستیم، اما احساس تأسف، درد و شرمندگی که در من به عنوان یک شهروند اروپایی بود چنان زیاد بود که در تمام مدتی که از قبرهای دستجمعی رد می شدیم و با یکی از مقامات این شهر گفتگو می کردیم، نتوانستم به صورت مخاطبین نگاه کنم. تنها زمانی که قطرات اشکم سرازیر شد، شهادت نگاه کردن به آنان را یافتم. بی شک نام حلبچه و آن چه بر مردم اش رفت، در تاریخ و در کنار شهر هیروشیما و کمپ های هیتلر ثبت خواهد شد.

تلویزیون سراسری عراق، اخبار گروگان گیری ها را پخش می کند. اما در شمال عراق اوضاع آرام است. به علت وجود همین آرامش نسبی و یا شاید هم موقتی است که بسیاری در تحلیل اوضاع، ساده انگارانه، درگیری ها را کار مذهبیون افراطی می بینند. به گمان من این دید سیاه - سفید ناشی از اوضاع آرام در شمال عراق است. اما در سایر نقاط عراق تصویر بدین شکل نیست. در عراق، نیروی تجاوزگر هست، نیروی اشغال گر هست، بیکاری هست، فقر هست، عطش قدرت هست، افراط گرایی مذهبی هست، سکولاریسم هست، آنتیسم هست. کنش و واکنش هر یک از این ها، بخشی از روند جاری است. نمی توان گفت که در یک سو آمریکا هست و در سوی دیگر مذهبیون. اما سؤال اساسی این است: "آیا چپ متحد خواهد شد؟"

یک چیز مشخص است، اگر نیروی اشغال گر بیرون رود، اوضاع به نفع چپ خواهد بود. چرا که مجال کار توده ای خواهد یافت. قبل از شروع موج اخیر خشونت ها، چپ گام های امیدواری کننده ای برداشت. یک ماه ونیم گذشته چپ توانست با بسیج توده ای و به راه انداختن تظاهرات وسیع در مقابل دفتر تشکیل کارگری، از بستن آن دفتر جلوگیری کند. چپ با کار در میان

مقدمه: در طی هفته های گذشته، شدت گرفتن حملات و درگیری ها در عراق، منجر به کشته شدن صدها تن، ویرانی و افزایش تنش های سیاسی گشته است. کشتار وحشیانه در فلوجه و انفجارهای پیاپی تنها ظرف دو روز، ۸۰ کشته برجای گذاشته است. در طی مدتی که موج جدیدی از کشتار آغاز شده بود، یک هیئت ۱۰ نفره از فعالین حزب سوسیالیست هلند (SP) راهی عراق شدند تا ضمن مشاهده اوضاع، تصویری از شرایط زندگی مردم، وضعیت اپوزیسیون به دست آورند. Tiny Kox دبیرپیشین این حزب و نماینده فعلی آن در سنای هلند، سفر ۱۰ روزه خود را در "سفرنامه عراق" گزارش کرده است. این سفر نامه، شمایی از وضعیت کنونی در عراق را به نمایش می گذارد. لازم به ذکر است که حزب سوسیالیست با تجاوز نظامی عراق، حضور نیروهای آمریکا و متلفین مخالف است و از میان اپوزیسیون عراقی، با چپ های عراق ارتباط نزدیکی دارد. متن زیر چکیده، سفر نامه Tiny Kox است که جهت اطلاع خوانندگان نشریه کار درج می شود.

از طریق ترکیه به شمال عراق رسیدیم. به مقر رفتیم. بساط مفصل پذیرایی مهیا بود. "فادر خاچاک" مسئول مقر در منطقه Duhok از تغییرات یک سال گذشته خوشحال است. می گوید "ما رئیس منطقه خودمان شدیم. چه از این بهتر؟" در حالی که مشغول شنیدن نظر مساعد KDP (حزب دمکرات کردستان ایران) هستیم، تصاویر کشتار در فلوجه، وقفه ای در گفتگویمان می اندازد.

روز بعد، به گفتگو با "شمین زشید" می نشینیم. وی مسئول سازمان زنان KDP است. می گوید: "در ۱۷ سال گذشته، این سازمان توانسته است در ۱۸ منطقه کردستان صدها زن را بسیج نماید." شمین از وجود سنت های عمیق در جامعه، در کردستان و در حزب می گوید. این سازمان تلاش کرده است که کارهای آگاه گرانه در مورد قتل های ناموسی و خشونت علیه زنان انجام دهد. بخشا نیز موفق بوده است. شمین از قدرت گیری مذهبیون در عراق و خطرات این امر برای زنان سخن می گوید. وی و فعالین سازمان زنان طی ماههای گذشته، بارها از سوی مذهبیون در موصل و مناطق اطراف مورد تهدید و آزار قرار گرفته اند. چرا؟ "چون تلنگری به سنت متحجر زده شده است. چون زنان را به کار در بیرون از خانه تشویق می کنیم. با زنها به دادگاه خانواده می رویم و از حقوقشان دفاع می کنیم." شمین ضمن این توضیحات از فعالیت زنان و دختران در

اتحادیه ها و دانشگاهها ابراز خرسندی می کند. وی در پاسخ این سؤال که انتظارش از اروپا چیست، می گوید: "همبستگی و فقط همبستگی معنوی."

پس از ترک دفتر سازمان زنان، به دیدن قدیر جابر رهبر KDP در اربیل می رویم. استاد دانشگاه است و اخیرا از انگلیس به عراق برگشته است. به نظر می رسد عدم ثبات در عراق موجب شده که خانواده اش را در انگلیس بگذارد و فعلا به تنهایی به عراق برگردد. در جریان صحبت با وی این دستگیرمان می شود که بسیاری از متخصصین عراقی مقیم اروپا و آمریکا در رفت و آمد به سر می برند. نه در عراق اند و نه در اروپا و آمریکا. تصمیم قطعی برای برگشت دایم به عراق مستلزم وجود ثبات سیاسی - اقتصادی در عراق است. قدیر جابر از این که کردها امکان سازندگی یافته اند، خوشحال است. با وی تصاویر مربوط به تخریب و ویرانی در فلوجه رانبدال می کنیم.

بعد از دو سه روز صحبت و گفتگو، تنها در جریان صحبت تلفنی با حمید مجید رهبر حزب کمونیست عراق است که نارضایتی از اوضاع فعلی شنیده می شود. نیروهای چپ، کمونیست ها و دمکرات های عراق به تجاوز نظامی، به حضور نظامی در عراق، به حمایت آمریکا از رهبران مذهبی اعتراض دارند. حمید مجید می گوید: "آمریکا در تصویری که از اوضاع سیاسی عراق می دهد، عراقی ها را دسته بندی مذهبی می کند. می گوید این شیعه است و آن سنی. اما این چنین نیست. سوی وجود گرایشات مذهبی، این منافع مشخص اقتصادی است که نقش بازی می کند. مردم عراق از فقر و بیکاری و ویرانی و جنگ و خشونت به تنگ آمده اند"

راهی سلیمانیه می شویم. جاده با بتون بسته شده است. مردان مسلح ایستاده اند و مانع رفت و آمدند. در عراق خشونت افزایش می یابد. فرار از شهرهایی که مرکز درگیری هاست به سوی شهرهای امن تر در عراق، آغاز می شود. در چنین شرایطی اروپا، عراق را امن اعلام می کند و پناهنجویان عراقی را به زودی بازپس خواهد فرستاد.

از سلیمانیه به طرف مرز ایران هستیم. مردان مسلح به کلاشینکف صف کشیده اند. هرچه به طرف ایران نزدیک تر می شویم. فقر آشکارتر می شود. خانه ها انگار پلاستیکی است. گهگاه تکه ای آهن یا

اخراج پناهندگان افغانی، اقدامی ضد انسانی ست

علیه پناهندگان افغانی داشته اند، حالا آن بخش از قضیه را منعکس می کنند که احساسات ناسیونالیستی شان را جریحه دار کرده است و آن سرنوشت متجاوز از ۳۰ هزار زن ایرانی ست که با مردان افغانی ازدواج کرده اند.

مسئله از این قرار است که ازدواج این زنان از نظر دولت غیرقانونی ست. چرا که برطبق قوانین جمهوری اسلامی هرگاه زن ایرانی بخواهد با مردی که تابعیت دیگری دارد، ازدواج کند، باید اجازه مخصوصی از دولت دریافت کند و چون چنین اجازه ای در این سال ها به آنها داده نشده است، اکنون سرگردان مانده اند، چرا که اگر به همراه شوهرانشان به افغانستان بروند، سرنوشت شوم و یا لاقابل نامعلومی در انتظار آنهاست. بنابراین اعتراض آنها در این جا نیز از موضعی ناسیونالیستی و ایرانی گری ست. سرنوشت دهها و صدها هزار زن افغانی برای آنها فاقد اهمیت است. اگر اعتراضی هست، صرفا به سرنوشت زنان ایرانی که با مردان افغانی ازدواج کرده اند، محدود می گردد. مسئله زنان ایران که با مردان افغان ازدواج کرده اند، تنها جریبی از سیاست ضد انسانی جمهوری اسلامی را منعکس می سازد. این زنان تاکنون در بی حقوقی محض به سر برده اند، چرا که از نظر رژیم، ازدواج شان غیرقانونی بوده است و اکنون نیز دو راه در برابر آنها قرار دارد. یا به همراه شوهر و فرزندان خود راهی افغانستان شوند و با همان سرنوشتی رو برو گردند که پناهندگان اخراجی روبرو خواهند بود و یا آنها را به حال خود رها کنند و در پی سرنوشت نامعلوم خود در ایران باشند. اما به هر حال این مسئله، تنها گوشه ای از عواقب سیاست ضد انسانی اخراج پناهندگان افغان را از ایران نشان می دهد. دهها و صدها هزار انسان، با عواقب وخیم تر این سیاست ارتجاعی روبرو خواهند بود. این سیاست در کلیت اش ارتجاعی و ضد انسانی ست. باید متوقف شود و پناهندگان افغان از این حق برخوردار باشند که همانند ملیتهای دیگر در ایران زندگی کنند.

جمهوری اسلامی در ادامه سیاست های ضد انسانی خود، فشار به پناهندگان افغانی ساکن ایران را تشدید کرده است. از اوایل سال جاری تزییقات متعددی را علیه این پناهندگان به مرحله اجرا در آورده است. خدماتی را که تا کنون ارائه می شد محدود نموده است. موانع سختی را برسر راه اشتغال آنها پدید آورده و اولتیماتوم داده است که اگر تا پایان سال جاری ایران را ترک نکنند، با زور اخراج می شوند.

البته این سیاست ارتجاعی و ضد انسانی حکومت اسلامی، تازگی ندارد و جدید نیست. اکنون چندین سال است که گروه گروه از پناهندگان افغانی ساکن ایران با یورش مداوم پلیس دستگیر و در آن سوی مرز، رها می شوند. تفاوت در این است که این بار یک تائیدیه نیز از کمیساریای عالی امور پناهندگان وابسته به سازمان ملل که ظاهرا می باید از حقوق پناهندگان دفاع کند، برای اخراج این پناهندگان دریافت نموده است و می کوشد این اقدام ضد انسانی خود را با تائید یک نهاد وابسته به سازمان ملل پیش برد.

اکثریت بزرگی از پناهندگان افغانی را در ایران کارگرانی تشکیل می دهند که برخی از آنها حتی حدود دو دهه در ایران زندگی می کنند. فرزندان آنها در ایران بزرگ شده اند و زندگی آنها جزئی لاینفک از جامعه ایران شده است. معهذانه فقط در این مدت از حقوق اجتماعی و سیاسی محروم مانده اند، بلکه اکنون پس از حدود دو دهه، تازه از آنها خواسته می شود که ایران را ترک کنند و چنانچه سرباز زنند با زور اخراج می شوند. از آنها خواسته می شود که به کشوری بروند که درگیر جنگ داخلی میان گروههای ارتجاعی ست. هیچ امنیتی برای توده مردم وجود ندارد. ابتدایی ترین امکانات آموزشی، بهداشتی و معیشتی و کار موجود نیست و فرزندان این مردم زحمتکش باید به جایی بروند که در عمرشان حتی یک بار آن را ندیده اند.

نویسندگان مطبوعات رژیم که معمولا توجیه گر سیاست های ارتجاعی حکومت اسلامی اند و همواره تبلیغات زهرآگینی

خلاصه ای از اطلاعاتی ها و بیانیه های سازمان

در تاریخ ۲۶ فروردین ماه، سازمان اطلاعاتی ای پیرامون راهپیمایی و تجمع اعتراضی کارگران شرکت الکترونیک رشت و کارخانه ظروف مقوایی قزوین منتشر کرد. در این اطلاعیه به تجمع اعتراضی صدها تن از کارگران شرکت الکترونیک رشت، و ادامه اعتراضاتشان در روز بعد اشاره شده و از جمله چنین آمده است: "بیش از ۳۰۰ تن از کارگران این شرکت به بهانه "تغییر ساختار" کارخانه از مدتی قبل از کار بیکار شده اند و در عین حال بیش از ۹ ماه است که دستمزد کارگران پرداخت نشده است. کارگران در این راه پیمایی اعتراضی خود، خواستار پرداخت حقوق و مزایای معوقه، پایان بلاتکلیفی و تمدید دفترچه های بیمه خود شدند." در خاتمه ضمن حمایت از مبارزات کارگران و مطالباتشان، اقدامات ضد کارگری سرمایه داران محکوم شده است. متن کامل اطلاعیه را می توانید در سایت سازمان مطالعه نمایید.

از صفحه ۶

سفرنامه عراق

زنان توانست نیروی قابل ملاحظه ای بسیج نماید و از تصویب بند ۱۳۷ قانون اساسی جلوگیری کند. از صحبت ها و گفتگوهای متعدد چنین برداشت می شود که چپ در میان جوانان عراقی می تواند تاثیر گذار باشد. به شرط این که حداقل آرامشی موجود باشد. اوضاع فعلی بیشترین ضربه را به مردم و به چپ و کمونیست ها می زند.

در کردستان عراق علاوه بر حزب دمکرات و اتحادیه میهنی، جریان سومی هم هست که در معرفی خود اعلام می کند که اتحاد بین چپ و اسلاميون معتدل است. "انجمن اسلامی کردستان" خواهان خروج آمریکا و ورود UN به عراق است. مسنول این انجمن در اربیل رشید طارید است که از اتحادش با برخی جریانات چپ خوشحال است. پرس وجوی ما از مردم در مورد این گروه گاهها بابراز بی اطلاعی و بی تفاوتی مواجه می شود. به نظرمی رسد جریان نیمه اسلامی - نیمه چپ جذابیتهای نداشته است. شاید برای احزاب دمکرات مسیحی اروپا، متحد مناسبی باشد ولی پایگاهی در جامعه عراق ندارد. فعلا که ندارد. در اربیل که فقر و ویرانی بی داد می کند، این راه سوم، پاسخگو نیست. خانواده های

دیدار با نمایندگان احزاب و گروههای چپ و کمونیست صورت گرفته باشد. تحت تاثیر همین درگیری ها حتی ارتباط با آن ها ناممکن گشت. حال تصور کنید این اوضاع چه برسر ارتباط این احزاب با توده های عراق خواهد آورد.

زیادی در فقر مطلق اند. کودکان ۵- ۴ ساله مثل کنه به پای عابرین می چسبند تا پول گدایی کنند. الگوی ملی - مذهبی برای این عده قطعا پاسخگو نیست همان طور که در برزیل و آرژانتین نبوده و نیست. سفرمان به پایان می رسد بدون آن که

مسئله فلسطین، تروریسم دولتی اسرائیل و بنیادگرایی اسلامی

آنانی که تحولات فلسطین را دنبال می‌کنند یقیناً می‌دانند که در چند سال اخیر گروه‌های بنیادگرای اسلامی مانند حماس نقش فعال‌تری در جنبش فلسطین پیدا کرده و بخش مهمی از اخبار مربوط به این منطقه از جهان را به خود اختصاص می‌دهند.

رژیم نژادپرست اسرائیل که از بدو پیدایش خود همواره از «تروریسم دولتی» برای حذف مخالفان استفاده کرده روز ۲۲ مارس و ۱۷ آوریل ۲۰۰۴ بار دیگر نشان داد که قصد ندارد این روش نفرت‌آور را کنار بگذارد، زیرا در این دو روز شیخ احمد یاسین و عبدالعزیز رنتیسی، دو تن از رهبران حماس هدف موشک‌های هوا به زمین اسرائیل قرار گرفته و کشته شدند. البته این دو نفر نه نخستین فلسطینیانی بودند که این چنین ترور شدند و نه تنها اعضای حماس که ترور می‌شوند. دولت اسرائیل از ژوئیه ۲۰۰۱ ترور رهبران حماس را با موشک‌باران دفتر جمال المنصور در نابلس آغاز کرد. خودروی محمود ابوحنون نیز در نوامبر ۲۰۰۱ به موشک بسته شد.

اگر تروریسم دولتی را اوج وحشیگری دولت اسرائیل فرض کنیم به راحتی درمی‌یابیم که رهبران حماس مدت زیادی نیست که موجب دردسر و مشکل برای این دولت شده‌اند و این در حالی است که به رغم ایجاد حماس در دسامبر ۱۹۸۷، ریشه‌هایش به سال‌های ۱۹۳۵ می‌رسد، یعنی زمانی که اخوان المسلمین تصمیم گرفتند در فلسطین حضور پیدا کنند. شیخ احمد یاسین که روز ۲۲ مارس کشته شد در اوایل دهه ۷۰ میلادی از قاهره به فلسطین برگشت و تصمیم گرفت با امکانات مالی که اخوان المسلمین در اختیارش گذاشته بودند یک بنگاه خیریه بنا کند. گلدایر، نخست‌وزیر وقت اسرائیل نه فقط مخالفتی با ایجاد این بنگاه خیریه و اداره مراکز بهداشتی و آموزشی توسط آن نکرد که به آن کمک مالی هم نمود با این دید که بنگاه خیریه شیخ احمد یاسین بتواند تبدیل به

رقیبی با سازمان آزادیبخش فلسطین و به ویژه الفتح به رهبری یاسر عرفات بشود. در این دوران بود که سنگ بنای جنبش مقاومت اسلامی یا حماس نه فقط با یارانه‌های اسرائیلی که کمک‌های مالی عربستان سعودی گذاشته شد. البته بنگاه خیریه شیخ احمد یاسین به نام تامین آموزش و بهداشت منابع مالی خود را از اسرائیل و عربستان سعودی گرفت اما به ویژه به تبلیغات دینی پرداخت به طوری که تعداد مساجد از سال ۱۹۶۷ تا ۱۹۸۷ تنها در نوار غزه سه برابر شد و از ۲۰۰ به ۶۰۰ رسید.

هنگامی که اسلامگرایان فلسطینی در سال ۱۹۷۸ یک مدرسه اسلامی را در نوار غزه افتتاح کردند، دولت اسرائیل باز هم از این موضوع حمایت نمود تا به اعتراف هفته‌نامه اسرائیلی کورت رانشیت «سازمان آزادیبخش فلسطین و سازمان‌های چپ نوار غزه تضعیف شوند» (در ژانویه ۱۹۸۰ وقتی اسلامگرایان به مراکز هلال احمر فلسطین حمله کردند تنش با سازمان آزادیبخش فلسطین به نقطه‌ای رسید که دولت اسرائیل آرزویش را داشت.

دولت اسرائیل که هرگز به مبارزان فلسطینی رحم نمی‌کند و آن‌ها را در صورت دستگیری تا لحظه آخر در زندان‌هایش نگاه می‌دارد وقتی شیخ احمد یاسین را در سال ۱۹۸۴ دستگیر و به دوازده سال زندان محکوم کرد تنها یک سال در زندان حفظ نمود و سپس رهایش کرد تا به فعالیت‌هایش ادامه بدهد. یاسین بار دیگر در سال ۱۹۸۹ دستگیر و به حبس ابد محکوم شد، اما سال ۱۹۹۷ بنیامین نتانیاهو که از مرتجع‌ترین نمایندگان صهیونیسم و نخست‌وزیر وقت اسرائیل بود وی را دوباره آزاد کرد. نتانیاهو در واقع با این امید یاسین را آزاد کرد تا بتواند با دلایل موجه‌تری توافقات اسلو را که در سپتامبر ۱۹۹۳ امضاء شده بود، بی‌حاصل نشان دهد. زیرا حماس این توافقات را مردود اعلام کرده و به عملیات انتحاری برای

در صفحه ۴

برای ارتباط با سازمان فدائیان (اقلیت) نامه‌های خود را در دو نسخه جداگانه برای دوستان و آشنایان خود در خارج از کشور ارسال و از آنها بخواهید نامه‌هایتان را به یکی از آدرس‌های زیر پست کنند.

آلمان

K . A . R
Postfach 160531
60068 Frankfurt
Germany

دانمارک

I . S . F
P . B . 398
1500 Copenhagen V
Denmark

سوئد

M . A . M
Postbox 1144
75141 Uppsala
Sweden

سوئیس

Sepehry
Postlagernd
3052 Zollikofen
Switzerland

فرانسه

A . A . A
MBE 265
23 , Rue L ecurbe
75015 Paris
France

کانادا

K.Z
P.O.BOX 2488
Vancouver B.C
V6B 3W7
Canada

کمک‌های مالی خود را به شماره حساب بانکی زیر واریز و رسید آن را به همراه کد مورد نظر به یکی از آدرس‌های سازمان ارسال کنید.

I . W . A
6932641 Postbank
HOLLAND

شماره‌های فکس سازمان فداییان (اقلیت)

۰۰۴۴۸۴۵۲۸۰۲۱۹۹

۰۰۴۴۸۷۰۱۶۸۸۲۷۱

۰۰۴۴۸۷۰۱۳۸۲۵۷۲

پست الکترونیک E-Mail:

info@fedaiian-minority.org

نشانی ما بر روی اینترنت:

http://www.fedaiian-minority.org

Organization Of Fedaian (Minority)

No. 428 apr 2004